

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز سورن از سوی گزارشگران
۰۹ می ۲۰۱۸

دهان گشاد آنها و دهان گشادهای ما تبعیدیان



بنا ندارم درباره دهان گشاد معروف رژیم بنویسم چرا که اظهر من الشمس است. دهان گشادی که عکس او را می بینید تنها دهان گشاد مزدور رژیم نیست اما معروف ترین آنهاست. مزدوری است که از باز کردن دهان خود برای ارتجاعی ترین بخش رژیم ارتزاق می کند. اینکار را بهتر از همه کارها بلد است. دهانش را باز می کند فراخ و اربابانش جمله و شعار را در آن می ریزند تا به سوی استکبار جهانی پرتاب شود. همه جا حضور دارد و تنها و مهمترین مشغولیت و ممر

درآمد اوست. در میان اپوزیسیون چه در داخل و بیشتر در خارج کشور هم دهان گشاد زیاد داریم. همه جا هستند و فعالان سیاسی شناخته شده را رصد می کنند به خصوص افرادی را که به منش و روش مقدس! آنها نقد می کنند و زیر بار نام های آنها که بخشی از آنها تاریخ مصرفشان به سر آمده است نرفته و نمی روند.

این افراد هر بار که جنبش های اجتماعی اوج می گیرند و بی خاصیتی نظری آنها جلوه بیشتری پیدا می کند، سوزش و جلز و ولز بیشتری احساس می کنند و هم از اینرو سراسیمه شده و فعال می شوند. این دسته از دهان گشادهای منفرد اپوزیسیون، تفاوتشان با آن یکی دهان گشاد در تصویر اینست که معروف نیستند و برای معروف شدن به اطراف و قربانیان فعال رژیم عربده کشان هجوم می برند و قمه زنی به حیثیت سیاسی و فردی او را آغاز می کنند و خود را به عنوان چماقدار مدعی العموم معرفی می کنند. گویا قرار است همانند گذشته سوژه را پیش از محاکمه ترور کنند آنهم ترور شخصیتی یواشکی! ابتداء به حیثیت سیاسی لگد می زنند و سپس فردی. غالباً موفق هم نمی شوند.

اخیراً گویا به من و سایت گزارشگران هم گیر داده اند. اگر ارتباطی با سایت شناخته شده و با سابقه گزارشگران نداشتم این افراد مرا درخور این شایعه پراکنی و دروغپردازی نمی دانستند و این موضوع اهمیت سایت گزارشگران را نشان می دهد که کارگزاری این افراد را تا کنون نکرده و از این پس نیز نخواهد کرد. این اول بار نیست که چنین می کنند. تا کنون به آنها نپرداخته ام. یکبار خواستم مطلبی بنویسم با عنوان اونیکه به ما ... کلاغ ... اما پشیمان شدم و این مطلب را نیمه کاره سر به نیست کردم و عهدکردم تا دیگر چنین عنوانی را به کار نبرم. باری به هر جهت رنج خود می برند و محنت دیگران می سازند.

چندی پیش در محضر یکی از فرهیختگان مردمی و متعهد در تبعید بودم. در مورد دوران زندان صحبت شد. از آنجا که هیچ وقت ادعائی در مورد مقاومت در زندان و احیاناً همایون کنیرائی بودن، نداشته ام و برای این که خطی روی تمامی قهرمان سازی های قسماً دروغین برخی زندانیان سیاسی شیخ و شاه بکشم سریعاً گفتم من در زندان قهرمان نبودم و به صحبت ادامه دادم. قرار هم نبود که قهرمان باشم. نظری و عقیده ای داشتم و تبلیغش می کردم و عهده می نداشتم که شاه‌رگ و سر به زیر پا بیندازم. با این حال دست قضاء و قدر باعث شد که دیر تر از یاران بازداشت شوم و چیز جدیدی هم نبود که از طریق من و حلقوم بیرون بکشند. حال اگر از این کابوس ضد بشری بالاخره رهائی یافتم بدهکار داروغه های اپوزیسیون نیستم. ما جان را در طبق اخلاص گذاشتیم آنها نگرفتند حال اگر به دهان گشادهای تبعید بدهی داریم بیایند بگیرند اما گزارشگران به کار خودش همچنان ادامه خواهد داد و رژیم را رسوا خواهد کرد.

فوراً برای پاسخ و همدردی! گفت حالا یکی دو تا هم بعد از شکنجه آمده باشند؟

حالا بیا درستش کن!! به یکی دو نفر هم که اصلاً به داخل زندان از طریق بازداشت من نیاورده ام، بدهکار شدم!. (شرح خاطرات را اینجا بخوانید) برای این که دیگه بدهکار نشم از همین امروز میگم که من قهرمان هستم و به جای صف اعدامی ها زندانیان مرا اشتباهاً در صف نه اعدامی ها قرار داد چون دست چپ و راستش را نمی دانست! اینگونه مولای درزش نمی رود و من از همین امروز قهرمان می شوم. البته بعدها از پیر شهر مان که با علاقه این دروغها را به اطراف انتشار می دهد، می پرسم که او چگونه دوران بازداشتش را سپری کرد، چرا اعدام تپه ای نشد و چگونه آزاد شد چون زندانبانان شاه دست چپ و راستشان را بلد بودند.

دوران سرد و یخبندان تبعید که نزدیک به چهاردهه طول کشیده است بسیاری را به یأس و نومیدی کشانیده است. بسیاری صندلی های محکم خویش در بخش رادیکال چپ را ترک کردند و در کنار مزدوران رسانه های وابسته روی نیمکت مشترک نشستند. دل دادند و قلوبه گرفتند و به عنوان میز گرد سیاسی به خورد خلق الله دادند. بسیاری صندلی های خود را ترک کردند و شرافتمندانه کفشهای خود در عالم سیاست را اویزان کردند. بسیاری ما را ترک کردند و یاد های جاویدان خود را برجای گذاشتند. بسیاری هم همانند غریق (دهان گشادهای تبعید) به هر کس و هر کجا جنگ می زنند و در برابر فنای سیاسی و تشکیلاتی خود و برای زنده کردن رؤیاهای خویش که با آنها زندگی کرده اند، اینگونه مقاومت! می کنند. این مقاومت اما مقاومتی شرافتمندانه نیست زیرا که با اندیشه تخریب و ترور شخصیتی دیگران آغاز می شود. از آنجا که انحراف از مبارزه با جمهوری اسلامی هدف اصلی آنهاست و هم از اینرو دانسته و یا ندانسته آب به آسیاب رژیم می ریزند، از آنها نامی نمی برم و امیدوارم که این گوشزد ها در پایان یافتن این عملیات انحرافی و بشدت مضر این چند نفر دروغپرداز ناشی که ظاهراً دوباره با سناریو تخریب سایت گزارشگران جان گرفته اند، مفید واقع شود.

مثلاً گفته اند که من سال ۱۳۶۳ آزاد شده ام. درسته که سالها گذشته اما تفاوت سال ۶۳ و ۶۵ را می فهمم. لطفاً مسئولیت شناسی و در نیش قیر دقت کنید و اطلاع دقیق تری منتشر کنید.

وقتی به لحاظ روانشناختی این افراد را از ریابی کنیم می بینیم که اینها تعادل فکری خود را از دست می دهند و به قرینه ای از منش بسیجی های رژیم شباهت پیدا می کنند. از اطراف خود شروع می کنند. با کلماتشان به دیگران زخم می زنند. با جملاتشان با حیثیت افراد بازی می کنند. بخشی تریبونی دارند و در جست و جوی آبدیت شدن هستند. یا که نقش آنها را نوچه هایشان با سایت های شخصی و مزخرفاتشان بازی می کنند. تضمینی این که دو یا سه نفر نیز بیشتر نیستند.

این افراد باید هر از گاهی خودشان را آبدیت کنند و آنهم آویزان شدن به شجره نامه فعالان شناخته شده و معتمد اپوزیسیون است. در پالتاک ها مثل جن ظهور می کنند. وقت می گیرند. وراجی می کنند و فضاء را آلوده می کنند و یا نوچه های همیشگی و ازلی و ابدی خودشان را ارسال می کنند.

اگر چه دیروزشان این افراد و آرمانهایشان احترام انگیز بود اما امروزشان و نفرت پراکنی هایشان و دروغپردازیهای آنها علیه فعالان سیاسی دیگر انزجاربرانگیز است. هنوز منطق ترور فکری و شخصیتی را از دست نداده اند. هنوز دهه ها تجربه و پیشرفت های نظری دمکراتیک برای آنها مفاهیمی غریبه است. حرف مرد یکی است! یکبار کلاشینکف، همیشه و تا ابد کلاشینکف! از زاویه دید آنها آنچه مهم تر است کلاشینکف است و نه هدف اینبار کلاشینکف علیه فعالان سیاسی شناخته شده و نارنجکی هم به رسانه خوشنام گزارشگران!

گزارشگران یکی از قدیمی ترین رسانه های دمکرات و چپ است. چنانچه سالهای دراز تبعید بسیاری را نومید کرد و نوسانات سیاسی بسیار برای آنها از جمله برای پیر شهر ما ایجاد کرد اما گزارشگران هیچ گاه و هیچ زمانی از پشتیبانی بخش رادیکال اپوزیسیون دریغ نکرد.

از عدم فعالیت آن همانند بسیاری از رسانه های دیگر تنها جمهوری اسلامی ذینفع است و این بی صفتان.

خود را منتخب مردم می دانند و منتظراند که شانه های آنان را دوباره اما اینبار بی دلیل در نوردند و آنجا با بتون جای خود را محکم کنند. با این که تفاوت زندانهای شاهی و اسلامی را به خوبی می دانند ولی خود را به کوچۀ علی چپ می زنند و مجوز قضاوت برای خود و محکومیت دیگران صادر می کنند. شکر خدای عزوجل که هنوز نه دستی در حکومت دارند و نه چشم اندازی هم برای دست داشتن در آن!

این افراد تلاش مقدس خود را شروع کردند تا نیش قبر کنند و با زدن سر رسانه گزارشگران این صدا را نیز همانند برخی رسانه های وزین در گذشته تعطیل کنند! چون هنوز در رویاهای پنجاه ساله خود غوطه می خورند اما کم دقتی و ناشیگری آنها باعث شده که قبر اشتباهی را باز کنند و سوتی بدهند. این افراد با کردارشان هم این که وقتی از فعالان سیاسی بگیرند و بنیۀ اپوزیسیون را تضعیف کنند به هدف خود رسیده اند. آب به آسیاب رژی می می ریزند که نشئه اختلافات خود ساخته از این نوع کردارها در میان اپوزیسیون رادیکال و سرنگونی طلب است. هر وقت جنبش سراسری مردم اوج می گیرد و سر این طیف منزوی بی کلاه می ماند جری تر می شوند و بند فعالان سیاسی برای تخریب آنها می کنند. ما این رفتار را خودزنی آنها می دانیم. خودزنی نارسیس وار کسانی که کاش خوشگل بودند و کله های تاس آنها پرمو!

سلمانی ها وقتی بیکار می شوند سر هم را می تراشند و اگر آگاهتر باشند به فعالیت مفید دیگری مانند مطالعه روی می آورند. ما در سایت گزارشگران قصدی و وقتی برای تراشیدن سر فعالان سیاسی متعهد نداریم! و برای حفظ توان جهت تلاش رسانه ئی رخصتی هم برای افشاء، دهان گشادهای در میان تبعیدیان نداریم. همه می دانند که روزنامه نگاران و فعالان رسانه ئی بزرگترین منابع اطلاعاتی از جمله سوابق افراد و نهادها هستند.

اما اهداف ما در سایت گزارشگران افشاگری مناسبات حاکم اسلامی در ایران بوده است و قاعدتاً مزدوران آنها در صفوف تبعیدیان و چنانچه ضروری و مفید به حال اپوزیسیون سرنگونی طلب بدانیم از آن پرهیز نمی کنیم.

بهر روز سورن

سایت گزارشگران

۲۰۱۸/۰۵/۰۶